

محبت و هویت در آئینه نمایش جهانی اربعین مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی

عبدالله گیویان*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۶

محسن امین**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۵

چکیده

آیین‌های مذهبی یکی از فرصت‌های ویژه اصحاب ادیان و مذاهب برای اعلام موجودیت خود به هویت‌های دیگر و همچنین موقعیتی مناسب برای بازنمایی و برساخت اهالی مذهب از وضعیت فرهنگی و اجتماعی خود است. در میان فرق اسلامی، مذهب تشیع به‌عنوان یک اقلیت بزرگ که محبت اهل بیت (: از ارکان با اهمیت آن است، طول تاریخش را در جامعه مسلمانان همراه با طرد و درحاشیه‌بودگی تحمیلی از جانب اکثریت اهل سنت گذرانده و کمتر فرصت خودنمایی یافته است. آیین‌های حسینی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مراسم جمعی و اجتماعی شیعیان می‌باشند که از حیث: تأسیس، تکوین و کیفیت اجرا عمدتاً با زمینه‌هایی از فرهنگ عامه عجین گشته‌اند.

آیین پیاده‌روی اربعین که هر ساله مصادف با ۲۰ صفر و همزمان با اربعین شهادت حضرت سیال‌الشهداء (۷) در مسیرهای منتهی به کربلای معلی برگزار می‌شود، با توجه به حضور میلیونی اقشار و ملیت‌های گوناگون شیعه از اقصای نقاط جهان، خصوصاً در سال‌های اخیر گسترش چشم‌گیری داشته و به یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات آیینی جهان تبدیل شده است. در این پژوهش با عنایت به ویژگی‌ها و امتیازات ویژه این آیین شیعی، تلاش کردیم تا با تماس مستقیم با واقعیت در حال اجرا از طریق روش کیفی مردم‌نگاری، سه رکن اساسی ماهیت، ساختار و کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین را با تفسیرهای مشارکت‌کنندگان اصلی‌اش یعنی: زائران، مروجان و مجریان این آیین از منظر چارچوب مفهومی ارتباطات آیینی مطالعه کنیم. شایان ذکر است علی‌رغم توجه به پیشینه این آیین در تاریخ اجتماعی شیعیان عراق و همچنین زمینه‌های فرهنگی موجود، تمرکز اصلی این پژوهش به روی مشارکت‌کنندگان ایرانی قرار داشته است.

نتایج حاصل از دو مرحله تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی به روش‌های مضمون‌بندی داده‌ها و کدگذاری نظریه‌ای نشان داد: این آیین شیعی در ارتباط تنگاتنگی با سه مفهوم کلان محبت اهل بیت، نمایش جهانی و هویت شیعی قرار دارد.

واژگان کلیدی: پیاده‌روی اربعین، اجتماع، آیین، ارتباطات آیینی، شیعیان، نمایش.

مقدمه

پدیده‌هایی که در جهان اطراف ما رخ می‌دهند غالباً دلالت‌های جمعی و اجتماعی بسیاری دارند. حال اگر این پدیده‌ها رنگ و بوی مذهبی به خود بگیرند، معانی فرهنگی متنوعی تولید می‌کنند. آیین‌های مذهبی در میان شیعیان مشحون از ارزش‌ها و معانی‌اند، لذا جایگاه رفیع و مقدسی نزد آنان دارند. آیین‌های عاشورایی (حسینی) با توجه به رابطه تاریخی تنگاتنگی که همواره موضوع قیام امام حسین (7) با موجودیت شیعه داشته، نقش عمده‌ای در فرآیند هویت‌یابی این اقلیت مذهبی — که در طول تاریخش عمدتاً از درحاشیه‌بودگی، رنج دیده — ایفا می‌کنند. این انتساب آیین‌ها به یک سرچشمه بسیار مقدس و ناب (حضرت سیدالشهداء 7)، حکایت از جایگاه ویژه این مناسک نزد عام و خاص شیعه دارد.

آیین پیاده‌روی اربعین که همه ساله مصادف با ایام منتهی به اربعین شهادت شهدای کربلا در کشور عراق برگزار می‌شود، در سال‌های اخیر به دلایل مختلف سیاسی و فرهنگی گسترش یافته است. حضور ایرانیان نیز که از گذشته به حب آل محمد (:) شهره بوده‌اند در سال‌های اخیر بر کم‌وکیف آن افزوده و نمایشی میلیونی از حضور شیعیان جهان در مسیر کربلا رقم زده است. این آیین با توجه به پیشینه تاریخی و هم‌چنین کارکردهایی که آیین‌ها در جریان برگزاری خود دارند؛ به یکی از صحنه‌های اصلی کنش شیعیان مبدل گشته است.

حسب دستاوردهای حوزه مطالعات ارتباطات آیینی^۱، آیین‌ها — مخصوصاً آیین‌های مذهبی — یکی از مناسب‌ترین مدخل‌های کشف و بررسی ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان‌شان هستند و به سبب ویژگی‌ها و کارکردهای ویژه‌ای که دارند، می‌توانند شفاف‌ترین دلالت‌های فرهنگی را از اجتماعات انسانی مدنظر ارائه کنند. از این رو آیین پیاده‌روی اربعین که خصوصاً در سال‌های اخیر به یکی از پرشرکت‌کننده‌ترین آیین‌های مذهبی و از بزرگ‌ترین اجتماعات انسانی در جهان تبدیل شده، می‌تواند یکی از مهم‌ترین بسترها و از مناسب‌ترین منابع تماس مستقیم با جهان تشیع و از آماده‌ترین زمینه‌های مطالعه و فهم مختصات اجتماعات شیعیان و خصوصاً شرکت‌کنندگان این مراسم باشد. ضرورت شناخت هویت شیعی، سیر تحولات و تطورات اجتماعات شیعیان، شیوه‌های تعاملی

آن‌ها با خود و با دیگران، نیازهای فعلی و چشم‌انداز آینده از موجودیت این اقلیت اسلامی از جمله مهم‌ترین مواردی است که با بررسی دقیق آیین پیاده‌روی اربعین می‌توان نسبت بدان‌ها آگاهی یافت.

فهم ماهیت، ساختار و کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین در چارچوب مفهومی ارتباطات آیینی، از جمله اهداف اصلی این پژوهش می‌باشد که به شکل تام و تمام در سؤال اصلی پژوهش نمود یافته و معرف معانی و تفسیرهای زائران، مروجان و مجریان از این آیین شیعی می‌باشد. در این پژوهش تلاش بر این است تا با عرضه نگرشی نو درخصوص موضوعی بکر، نگرشی متفاوت ارائه شده و افق‌های جدیدی از مطالعات حوزه فرهنگ، دین و ارتباطات در مقابل پژوهشگران این عرصه گشوده شود. عرصه‌ای که به نظر نگارنده علی‌رغم اهمیت وافرش در توضیح مختصات فرهنگی و اجتماعی، به دلایل مبهم و نامعلوم، کمتر مورد توجه جوامع علمی و دانشگاهی کشور قرار گرفته و در معدود مطالعات و بررسی‌های موجود، از تماس مستقیم با واقعیت در حال اجرا — در اینجا آیین پیاده‌روی اربعین — پرهیز شده و صرفاً به مطالعات نظری در اتاق‌های دربسته اکتفا شده است.

۱. طرح مسئله

به گفته لیچ، مردم‌شناس و نظریه‌پرداز آیینی، «تمامی صور آیینی، ارتباطاتی هستند. آیین‌ها همواره رفتارهای نمادینی در موقعیت‌های اجتماعی به شمار می‌آیند، بنابراین همواره گویی متونی هستند که نوشته شده‌اند تا قرائت شوند. هرچه که باشد آیین همواره شیوه‌ای از گفتن است» (لیچ، ۱۹۶۸). هم‌چنین آیین؛ اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکلی مناسب برای تأثیرگذاری نمادین بر زندگی جدی یا مشارکت در آن طراحی شده است. به تعبیر دیگر خصلت آیینی چیزی فراتر از رفتار و حرکات جسمانی است، به‌طوری که ویژگی‌های ارتباطی‌ای که رفتارهای آیینی به واسطه آن‌ها مشخص می‌شوند، خصلت‌هایی مقدم و برای تمیز آیین به عنوان آیین، جوهری هستند. در این صورت چنین نیست که آیین‌ها احتمالاً کارکردهای ارتباطی دارند، بلکه باید گفت که اگر آن‌ها به شکل ارتباطاتی عمل نکنند، اصلاً عمل نکرده‌اند (رودنولر، ۱۳۸۷).

قرائت و فهم این متون، نیازمند کنکاشی تفسیری در نمادهای این صور فرهنگی - ارتباطی است. به بیان دیگر آنچه به صورت نمادین در یک اجتماع آیینی بازتولید می شود، برساختی از معانی افراد اجتماع از کلیت حیات اجتماعی آنها و مرزبندی نمادین آنها از سایر اجتماعات می باشد. گوهره یک اجتماع آن است که اعضا به کمک پیکره مشترکی از نمادها، معنای مشابهی از امور خلق می کنند (کوهن، ۱۳۹۱). این شبکه معانی خود ساخته که گیرتر از آن به عنوان «فرهنگ» نام می برد، سپهر نمادین معناداری را شکل می دهد که مستلزم مطالعه عمیق تعاملات مردم - به عنوان سازندگان معانی - با هدف کشف و تفسیر معناداری از اجتماعات آنها می باشد (گیرتر، ۱۹۷۳).

با عنایت به مقدمات فوق، در این پژوهش تلاش کردیم تا با کندوکاو در سپهر نمادین اجتماع آیین پیاده روی اربعین (اعم از تعاملات شرکت کنندگان، قرائات مذهبی و شیوه مواجهه آنها با آیین، سبک های ابراز ارادت، شعارها و...)، به تفسیری از شبکه مشترک نمادهای شیعیان در بستر این آیین مذهبی نائل آییم و به وسیله توصیف و تحلیل آیین پیاده روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی، ضمن کشف معانی تولید شده یا به نمایش درآمده شیعیان حاضر در آیین، از دریچه این اجتماع، روایت اربعینی شیعیان از ماهیت، ساختار و کارکردهای این اجتماع آیینی را دریابیم و نهایتاً از پس فهم این عناصر و در حد امکان، مختصات معنایی جامعه شیعی را به روایت آیین اربعین (به مثابه شکلی از ارتباطات آیینی) باز شناسی کنیم چرا که گفتیم اجتماعات آیینی بازتاب دهنده مهم ترین خصلت های جوامع خوداند.

در این خصوص می توان این طور بیان داشت که به نظر می رسد آیین اربعین با ظرفیت عظیم انسانی خود یکی از بهترین فرصت های اجتماعات شیعی جهت بازتولید معانی خود از زندگی، ایجاد شبکه مشترک نمادها با معانی مشابه، مرزبندی های هویتی و ارتباطات درون و برون گروهی، تصحیح و تکمیل خلاقانه قرائت خود از جهان پیرامون و مواردی از این دست می باشد. هم چنین اعضای اجتماعات در ضمن آیین ها، خصایص اصلی و کلیدی خود را بروز داده و آنها را در ضمن آیین بازتولید می کنند. این احتمال در نسبت میان شیعیان و آیین اربعین به سبب ویژگی های ممتاز این آیین، به مراتب بیشتر و دقیق تر خواهد بود.

در پژوهش پیش‌رو و برای فهم معانی و تفا سیر آیین پیاده‌روی اربعین، تلاش شده تا سه رکن هر آیین یعنی ماهیت، ساختار و کارکردهای آن از نظر سه گروه اصلی مشارکت‌کنندگان یعنی زائران، مروجان و مجریان واکاوی شود. لذا سؤال اصلی این مقاله که در بطن خود سه یا یه عبارتی‌تُ سؤال فرعی را جای داده عبارت است از: «پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی چه ماهیت، ساختار و کارکردهایی دارد؟» لازم به ذکر است که پس از حضور در میدان تحقیق، روشن شد که در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی با سه گروه اصلی مشارکت‌کنندگان روبرو هستیم. لذا در ادامه گردآوری داده‌ها و ساماندهی تحلیل‌ها تلاش شد تا سه رکن اصلی آیین (برگرفته از سؤال اصلی) از نظر این سه گروه درگیر در مراسم اربعین، بررسی شود و نتایج حاصله در ضمن ادبیات حوزه ارتباطات آیینی، دسته‌بندی و ارائه گردد.

۲. روش‌شناسی

در بحث روشی به سبب نوظهور بودن پدیده پیاده‌روی اربعین در شکل نوین‌اش، اجتماعی بودن آن، آیینی بودن و برخی دیگر از ویژگی‌ها همچون گروه‌های مشارکت‌کننده از جنس‌ها و طبقات مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، روش‌های مشاهده‌تی اعم از مشارکتی و غیرمشارکتی و هم‌چنین مصاحبه‌های ساختاربندی نشده انتخاب شد که با کمی تساهل و تسامح ذیل روش «مردم‌نگاری^۲» گنجانده می‌شود. طبق روش مردم‌نگاری — به‌مثابه یک استراتژی — با حضور در میدان و از طریق مشاهده مشارکتی، مصاحبه (گفتگوهای دو ستانه) با انگاره‌های ذهنی (درونی) شرکت‌کنندگان این آیین مذهبی آشنا شده و هم‌چنین از مصاحبه مفهومی جهت گردآوری داده‌ها استفاده شد (هم‌چنین ن.ک فلیک، ۱۳۹۱ و اسپردلی، ۱۳۷۲). در این خصوص مشارکت در مراحل مختلف برگزاری آیین، مشاهده رفتار، نمادها و موارد قابل توجه، گفتگو با زائران، مروجان و مجریان پیاده‌روی اربعین حین برگزاری مراسم و پس از آن و هم‌چنین تهیه تصاویر عمده فعالیت‌های مرحله گردآوری داده را تشکیل می‌دهد. در تحلیل داده‌ها نیز به جهت تنوع جنس داده‌های گردآوری شده و حجم آن‌ها، از استراتژی تحلیل دو مرحله‌ای استفاده شد که با ترکیب دو روش کدگذاری مضمونی و

نظریه‌ای ما را در دستیابی به پاسخ‌هایی قابل اعتنا از پرسش اصلی یاری‌گر شد. لازم به ذکر است این روش مانند چتری عمل می‌کند و همه مضامین را در برمی‌گیرد. به عقیده چارماز (۲۰۰۶) کدگذاری نظریه‌ای، روابط احتمالی میان پدیده‌ها را مشخص می‌کند و داستان تحلیل را در سیری نظری به حرکت درمی‌آورد. هم‌چنین کدگذاری نظریه‌ای، مقوله مرکزی^۳ یا مقوله کانونی^۴ را نمایان ساخته و به نوعی «تجمیع» در تحلیل‌ها، کدها و مضامین اولیه مبادرت می‌کند. در این روش کدگذاری، تمام مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها به شکلی نظام‌مند با مقوله مرکزی (در این تحقیق مفهوم «نمایش»، «محببت» و «هویت») - هسته‌ای از اقاییم^۵ تلاشه که به نظر می‌رسد «بیشترین قدرت توضیح‌دهندگی» را برای پدیده داشته است - مرتبط می‌شود (سالدانا، ۱۳۹۵).

۳. چارچوب مفهومی

ارتباطات سنتی در پاره‌ای از موارد، به شکل «نمایش آیینی» جلوه‌گر می‌شود. نمایش‌های آیینی، بخشی از فرهنگ و تاریخ ملت‌های اصیل و ریشه‌دار است. مذاهب رسمی و غیر رسمی نیز از دیرباز، دربردارنده آیین‌ها و مناسکی بوده‌اند که روح و روان پیروان‌شان را به یکدیگر پیوند می‌داده است تا بدانجا که می‌توان مذهب را مجموعه‌ای از باورها و آیین‌ها دانست. آیین‌ها گونه‌ای از ارتباطات سنتی هستند که در بیشتر موارد، صورتی «نمایشی» دارند.

به تعبیر دیگر خصالت آیینی چیزی فراتر از رفتار و حرکات جسمانی است، به طوری که ویژگی‌های ارتباطی‌ای که رفتارهای آیینی به واسطه آن‌ها مشخص می‌شوند، خصالت‌هایی مقدم و برای تمیز آیین به عنوان آیین، جوهری هستند. در این صورت چنین نیست که آیین‌ها احتمالاً کارکردهای ارتباطی‌ای دارند، بلکه باید گفت که اگر آن‌ها به شکل ارتباطاتی عمل نکنند، اصلاً عمل نکرده‌اند (رودنبولر، ۱۳۸۷، صص ۱۱۱-۱۱۲). آیین و ارتباط نزدیکی زیادی با هم دارند. آن‌ها از نظر منطقی به هم وابسته‌اند و دارای ویژگی‌های خانوادگی مشترکی هستند. بنابراین، ارتباط شکلی از آیین است و آیین صورتی از ارتباط (میرعابدینی و معتمدنژاد، ۱۳۸۷).

طبیعی است جایی که از اصطلاح «ارتباطات آیینی» سخن به میان آید، لاجرم بحث

در خصوص حیث ارتباطی آیین ضروری می‌نماید. لیچ در این خصوص چنین بیان می‌دارد: «تمام صور آیین، ارتباطی هستند. آیین‌ها همواره رفتارهای نمادینی در موقعیت‌های اجتماعی به شمار می‌آیند، بنابراین همواره متونی هستند که نوشته شده‌اند تا قرائت شوند. هرچه که باشد، آیین همواره شیوه‌ای از گفتن است» (لیچ، ۱۹۶۸). به عبارت دیگر اگر تمایز آیین از رفتارهای عادی در این نهفته است که شکل آن بر معنایی فراتر از خود رفتار دلالت می‌کند، آنچه اثربخشی آیین را از تأثیرگذاری رفتار عادی متمایز می‌کند، باید در آن دلالت نهفته باشد. بنابراین کارایی آیین باید با تمهیدات ارتباطی اعمال شود. به عنوان نمونه اگر مراسم گذار، دختر را به زن و مراسم عروسی زن را به همسر تبدیل می‌کند این به واسطه قدرت خلاق نمادها، کنش‌های گفتاری، اقناع و امثال این‌ها اتفاق می‌افتد و اثربخشی آیین‌ها ذاتاً ربطی به رابطه علی بین جرم و انرژی ندارد (رودنبولر، ۱۳۸۷).

هم‌چنین ذات و طبیعت ارتباطاتی آیین به نکات بسیار مهمی دلالت دارد. مهم‌ترین نکته آن است که آیین و ارتباطات با شیوه‌ای مشابه عمل کنند، پس بر این مبنا آیین محکوم به حکم بوالهوسی‌ها و فراز و نشیب‌های اراده، تلاش‌ها و انتخاب‌ها، تفاسیر، توجهات، سوگیری‌ها و سوءفهم‌های انسانی است. از این دیدگاه آیین قدرت بیرونی مقدسی نیست که نفوذی غیر قابل مقاومت بر امور انسانی داشته باشد (رودنبولر، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). به تعبیر دیگر اصولاً مراسم آیینی یکی از بهترین کانال‌های ارتباطی می‌باشند. آیین در حقیقت یک حرکت ارتباطی، یک پیام ارتباطی و یک مجرای ارتباطی است (بشیر، ۱۳۹۰، ص ۲۳۹).

به بیان رودنبولر (۱۳۸۷) اگر اثربخشی نمادین به درستی فهمیده شود، به‌طوری که دریافته شود حتی در آشفته بازار تفسیر، امور تحت تأثیر استفاده از نمادها هستند، آنگاه این نکته روشن خواهد شد که آیین باید شکلی مؤثر از تأثیرگذاری ارتباطی باشد. وی پس از ذکر خصلت‌های آیین‌ها، این ویژگی‌ها را مقوم قدرت ارتباطی آیین‌ها معرفی کرده و در نهایت آیین را از تمامی اشکال ارتباطی مؤثرتر می‌داند.

البته نهایتاً با عنایت به ابهامی که در تعاریف و رویکردها وجود داشت، تصمیم بر آن شد تا مهم‌ترین مفاهیم قابل استفاده در تفسیر و تحلیل نهایی نظرات

مشارکت‌کنندگان و مشاهدات میدانی از بطن و متن ادبیات ارتباطات آیینی استخراج شود. لذا ضمن غور در این مفاهیم مرتبط، عمده محورهای مفهومی مورد بحث در سه بخش ماهیت، ساختار و کارکرد گردآوری شد. جدول زیر مهم‌ترین خصائص آیین‌ها از منظر ارتباطات آیینی را ذیل سه محور مدنظر این پژوهش نشان می‌دهد:

کارکرد	ماهیت	ساختار
<ul style="list-style-type: none"> • الف) پنهان • حفظ نظم اجتماعی یا تغییر آن • تقویت همبستگی اجتماعی • اسوه‌سازی و الگوسازی • آماده‌سازی برای آینده • ب) آشکار • هویت‌یابی • نقش‌آفرینی سیاسی • تقویت باورها • کسب ثواب و تحصیل آرامش • حفظ الگوی جامعه • فراغت و سرگرمی • آموزش بین نسلی 	<ul style="list-style-type: none"> • کنش • اجراشدن • نمایشی • آگاهی‌داطلبانه • غیر تفریحی • نمادین • جمعی و اجتماعی • قدسی و غیبی • خصلت‌بیانی و زیبایی‌شناختی • رفتار سنتی • تکرار مرتب • ارتباطات بدون اطلاعات 	<ul style="list-style-type: none"> • پیچیدگی ساختاری • ثبات سازمان • مردمی و یا دولتی بودن • میزان سازمان‌دهی و نوع مدیریت • محوریت سازمان • تشریحی و اولیه یا فرهنگی و ثانویه • سنتی یا پیچیده و مدرن • آستانگی و کامیونیتاس

لازم به ذکر است که مفاهیم مستخرج از ادبیات ارتباطات آیینی، در لابه‌لای تحلیل‌ها و تفاسیر ما از سه محور ماهیت، ساختار و کارکردهای آیین پیاده‌روی نمودار خواهد شد.

۴. تحلیل داده‌ها

بررسی ماتریس ۳*۳ که از یک سو شامل سه رکن ماهیت، ساختار و کارکردهای آیین بوده (منبعث از سؤال اصلی پژوهش) و از سوی دیگر در کنار سه گروه زائران، مجریان و مروجین آن قرار می‌گیرد، شمایی جامع و مانع از شکل تحلیل‌ها و تقسیمات مربوط به آن‌ها به‌دست می‌دهد. این ماتریس در جدول زیر قابل مشاهده است:

مجریان	مروجان	زائران	
			ماهیت
			ساختار
			کارکردها

۵. نتایج تحلیل دو مرحله‌ای داده‌ها

در مرحله اول کدگذاری و تحلیل مشاهدات ثبت شده و متن‌های مصاحبه، علاوه بر یک دفترچه ۱۰۰ برگ از یادداشت‌ها میدانی سفر، مجموعاً بیش از ۵۰ مصاحبه کدگذاری شد. پس از استخراج مضامین یادداشت‌های میدانی و مصاحبه‌ها، با در کنار هم قراردادن همه مضامین و تفکیک و تجمیع آن‌ها ذیل مقوله‌های بزرگ‌تر، مرحله اول کدگذاری مصاحبه‌ها به پایان رسید. در دور دوم و با توجه به انتخاب کدگذاری نظریه‌ای، سه محور ماهیت، ساختار و کارکردهای آیین‌ها که منبعث از سؤال اصلی پژوهش بود با سه گروه از افراد مرتبط با آیین پیاده‌روی اربعین، یعنی زائران، مروجان و مجریان ترکیب شد. به طوری که هم‌زمان با ساخت مقوله‌های اصلی، آن‌ها را ذیل سه دسته سه شاخه‌ای جایابی می‌کردیم و با بهره‌گیری از ادبیات نظری، مقوله‌های اصلی هرکدام را تبیین می‌نمودیم. در ادامه نتایج این تحلیل‌ها ضمن این دسته‌بندی‌های سه‌گانه (سه رکن ماهیت، ساختار و کارکردها از منظر سه گروه زائران، مروجان و مجریان آیین پیاده‌روی اربعین) به تفصیل گزارش می‌شود.

۶. ماهیت آیین پیاده‌روی اربعین

۶-۱. ماهیت آیین پیاده‌روی اربعین از منظر زائران

طبق نتایج به‌دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها، خصلت «نمایشی» بودن و «به اجرا درآمدن» آیین پیاده‌روی اربعین که تا حدود زیادی با خصلت «کنشی» بودن آن نیز همپوشانی دارد را به عنوان مهم‌ترین خصلت ماهوی آن بیان می‌کردند. به تعبیر دیگر شاید مصاحبه‌ای نداشتیم که زائران به نوعی به مفهوم «نمایش» موجود در این آیین اشاره نکرده باشند. هم‌چنین این خصلت ایجاب می‌کند که وجوه «نمادین» آن نیز

پُررنگ شود چرا که هر نمایشی، متضمن ایده‌هایی است که از دل نظام نمادگان آن متجلی شده و معانی‌ای تولید می‌کند. لذا می‌توان این‌گونه بیان داشت که شرکت‌کنندگان (زائران) در بستر آیین پیاده‌روی اربعین، یک «نمایش نمادین» را اجرا می‌کنند که معانی مختلفی از آن قابل پی‌جویی است.

علاوه بر این‌ها، زائران بر «غیبی و قدسی» بودن این آیین تأکید داشتند و اکثراً آمدنشان را این‌گونه و با داستان یک امداد غیبی از سوی خدا و اهل بیت (: توضیح می‌دادند. به عنوان مثال مضامینی چون «جور شدن یک دفعه‌ای»، «طلبیده شدن» و «دعوت امام از زائران» گویای این خصلت آیین پیاده‌روی از منظر زائران است. هم‌چنین در رابطه با ماهیت آیین پیاده‌روی اربعین، ذکر این نکته ضروری است که «جمعیت» انبوه بازیگران این نمایش بر جذابیت آن افزوده است. به عبارتی ما در آیین پیاده‌روی اربعین با نمایشی نمادین طرف هستیم که به شکل جمعی عمل کرده و از حیث تعداد شرکت‌کنندگان، به سختی می‌توان نمونه‌ای برایش مثال زد. این خصلت «جذاب»، در عمل نیز باعث همکاری‌های سازمان‌نیافته‌ای میان زائران گشته که روح محبت و فداکاری را بر پیکره نمایش آن‌ها غالب ساخته است.

حال چون ثابت شد که پیاده‌روی اربعین یک «نمایش جمعی نمادین» است، طبیعی می‌نماید که به دنبال بینندگان یا مخاطبان اصلی آن باشیم چرا که هر نمایشی، «مخاطب»ی دارد و نمایش بدون بیننده یعنی کاری عبث. البته در این میان و درخصوص مخاطب اصلی این اجرا و نمایش، در میان مضامین صاحب‌ها، نظرات مختلفی وجود داشت که البته در سه دسته عمده قابل تقسیم و ارائه است. به عبارت دیگر زائران اربعینی، علاقه دارند این آیین راهپیمایی اربعین که از آن به «نمایش نمادین» تعبیر شد، به سمع و نظر سه دسته از افراد برسد. این سه گروه عبارتند از:

۶-۱-۱. دسته اول مخاطبین؛ «نمایش عاشقانه»

خداوند متعال، امام حسین (7)، امام زمان (4) و در یک نگاه کلی همه معصومین (: برای این گروه از زائران، حکم مخاطب یا ناظر را دارند. به عبارت دیگر این زائران، مشغول ایفای نقشی قدسی برای مخاطبین الهی خود هستند. در این دسته با چنین مضامینی

مواجهیم: «امام حسین در مسیر حواسش به زائرش هست» و همچنین «این پیش مقدمه‌ایه تا امام زمان بدون‌ه که شیعه در میدانه» یا «این پیاده‌روی امتحان امام زمان برای شیعه است که چقدر آماده‌ان» و نیز اینکه خانمی گفته بود: «می‌آییم تا امام حسین ببیند که چه شیعیانی دارد».

هم‌چنین در داده‌هایی که ضمن مشاهدات به‌دست آمده بود، کثرت نشانه‌ها و نمادهای بصری مانند پوشش زائران، پرچم، سربند، مداحی‌ها و... حاکی از همین مفهوم «نمایشی بودن» است چرا که این نمادها و نشانه‌ها — به‌عنوان جزئی از آیین، کاملاً نمایشی‌اند و بدون فرض مخاطب، اعم از بیننده یا شنونده، موضوعیتی نخواهند داشت. البته در مقایسه میان تصاویر و پرچم‌های زائران ایرانی و عراقی این امر مسلم است که در نشانه‌های عراقی‌ها نسبت به نمادها و نشانه‌های مورد استفاده ایرانی‌ها، مفهوم محبت خالصانه به امام حسین (7) و اهل‌بیت از این جهت که عمدتاً دلالت‌های سیاسی ندارد، ناب‌تر است.

البته مضمون «فقط به عشق خود امام حسین آمدیم» مضمونی با اهمیت و پرتکرار در مصاحبه‌ها با زائران اربعینی بود که طبعاً مبین عمق آن «محبت» خاص شیعیان نسبت به امام حسین (7) به عنوان امام و نسبت به یکدیگر به عنوان مأمومین یا شیعیان می‌باشد و به تعبیر دیگر وصف این نمایش است و محتوای آن را به خوبی توضیح می‌دهد. «پیاده‌روی با پای برهنه» و امثال آن که در موارد متعدد ایرانی و عراقی و هم‌چنین مشترکاً میان زنان و مردان زائر دیده می‌شد، نیز نشانه‌ای بارز از این وجه عاشقانه این نمایش آیینی است. چرا که اولاً این عمل یک کنش نمایشی است و جسم و تن درگیر آن شده و معانی‌ای تولید می‌کند و ثانیاً حکایت از اوج محبت، ادب و ارادت یک فرد به معشوق خود دارد و ثالثاً نوعی شبیه‌سازی مواسات‌گونه و همدلانه با کاروان اسرای اهل‌بیت (:): است که با پای پیاده در این مسیر حرکت کرده‌اند.

جهت دفع دخل مقدر و تکمیل تحلیل‌ها در این قسمت، ذکر این نکته ضروری است که زائران ایرانی و عراقی گرچه ممکن است در سایر امور، اهداف، معانی و شقوق دسته‌بندی تفاوت‌هایی داشته باشند، در این بخش از دسته‌بندی، یعنی «اجرای نمایشی عاشقانه» با هدف عرض ارادت به ساحت مقدس امام حسین (7) و اولاد و

اصحاب ایشان، اشتراک حداکثری دارند. در این راستا مشاهدات میدانی از فقدان مناسک خاص برای هر دو ملیت ایرانی و عراقی، و خصوصاً توقف کوتاه زائران عراقی در شهر کربلا و پراکنده شدن زائران ایرانی پس از زیارت حرم امام حسین (7) در این شهر، تقویت‌کننده این نظر است که اساس این آیین، اجرای نمایشی گروهی در مسیرهای منتهی به شهر کربلا و با هدف ابراز محبت و ارادت شیعیان به اولیاء الهی و به‌طور خاص حضرت سیدالشهدا می‌باشد.

۶-۱-۲. دسته دوم مخاطبین؛ «نمایش جهانی شیعیان»

همه مردم جهان که به تعبیری دوست و دشمن را در بر می‌گیرد و همه در یک تعبیر، «دیگری» شیعیان محسوب می‌شوند، مخاطب این آیین شیعی هستند. اشاراتی به مضامینی مانند «آمده‌ایم صدای شیعه را به جهان برسانیم» یا «این حضور میلیونی شیعه مقدمه‌ای است برای تلنگری به دنیا تا ببینند این جمعیت برای چه این سختی را تحمل می‌کند و به کجا می‌رود؟»، «حضور پر رنگ عکاسان و خبرنگاران ایرانی» و «انتقاد به عدم پوشش همه‌جانبه و جهانی این همایش میلیونی توسط رسانه‌های غربی» همگی گویای استتار این مخاطب جهانی در ماهیت نمایشی آیین پیاده‌روی اربعین در اذهان زائران است.

به عبارت دیگر، شیعیان از پس شرکت در آیین پیاده‌روی اربعین و ایجاد ارزش خبری ناشی از جمعیت بالای شرکت‌کننده در این آیین نمایشی، علاقه‌مندند پیام مظلومیت توأم با محبت امام حسین (7) را به جهان مخابره کرده و این‌گونه خود را به دیگری‌های مذهبی و غیرمذهبی جهان شناسانده، ارزش‌های خود را تبلیغ کرده و احساس خوشایند بزرگی و قدرتمندی نمایند.

۶-۱-۳. دسته سوم مخاطبین؛ «نمایش اقتدار شیعه و ایران»

این گروه به‌طور خاص به دشمنان عقیدتی شیعه مانند سنی‌های وهابی، داعش و هم‌چنین دشمنان سیاسی مانند اسرائیل و آمریکا به عنوان مخاطبان این نمایش آیینی می‌نگریستند. مضامینی همچون: «اوباما (رئیس جمهور وقت ایالات متحده) از همین

اربعین می‌ترسد» یا «اومدیم اینجا که بگیریم بقیه (سنی‌ها) حساب کار دستشون باشه» یا اینکه یک روحانی شهیر در مسیر به ما گفت: «عربستان هم عددی نیست، وهابیت هم همین‌طور. اصل این است که آمریکا پیام را بگیرد». این دسته از مضامین گاهی رنگ و بوی سیاست داخلی نیز به خود می‌گرفتند. جایی که مقوله «حضور در اربعین با هدف حمایت از رهبری و نظام اسلامی در ایران» جلوه‌گر بود، این وجه نمایشی به جنبه سیاسی این «نمایش قدرت» یا به تعبیر دیگر این «قدرت‌نمایی ایران» در منطقه و جهان پیوند می‌خورد.

هم‌چنین شایان ذکر است که این خصلت ماهوی نمایشی بودن در «کارکرد هویتی» نیز نمود دارد که در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۶. ماهیت آیین پیاده‌روی اربعین از منظر مروجان

تفکیک میان مروجان و زائران و مجریان آیین پیاده‌روی اربعین کاری بس دشوار است چرا که در این مراسم مذهبی ممکن است شخصی هم‌زمان سه نقش مذکور را بر عهده داشته باشد. اما مجموعاً می‌توان این‌گونه بیان داشت که مروجان، اربعین را از نظر ماهوی، ادامه یک «سنت ریشه‌دار تاریخی» می‌دانند که با توجه به شرایط منطقه و جهان اهمیت دوچندان یافته و هر سال جمعیت بیشتری از شیعیان جهان را گرد می‌آورد. به تعبیر دیگر، مروجان آیین پیاده‌روی اربعین، این مراسم را نوعی «گردهمایی شیعی» معرفی می‌کنند که حضور در آن به سبب کارکردهای سیاسی و فرهنگی‌اش ضرورت دارد و تقویت آن موجب «تقویت شیعه و گفتمان این اقلیت اسلامی در سطح منطقه و جهان» است.

از سوی دیگر ترویج یک آیین شیعی در این برهه زمانی می‌تواند حاکی از موقعیت‌شناسی دقیق این گروه از مروجان داشته باشد. آن‌ها درحالی‌که افکار عمومی جهان با توجه به خون‌ریزی‌های گروه‌های تروریستی مدعی اسلام راستین، در حال حرکت به سمت اسلام‌هراسی همه‌جانبه‌ای قرار داشت، تلاش کردند تا از دریچه این آیین مذهبی مسالمت‌آمیز، به «معرفی مکتب اهل‌بیت (:): به دنیا» پردازند.

۳-۶. ماهیت آیین پیاده‌روی اربعین از منظر مجریان

طی مشاهدات میدانی و مصاحبه‌هایی که با خادمان موکب‌ها و مسئولین ایرانی پیاده‌روی اربعین در چند سازمان و نهاد متولی امر اربعین داشتیم. مقوله اصلی تحلیل‌ها عبارت شد از: «سیا سی بودن» «تعظیم شعائر حسینی». این مقوله، بیش و پیش از هر چیز بر خصلت «آگاهی داوطلبانه» ای اشاره دارد که در فصل دوم ذیل ویژگی‌های اساسی آیین‌ها ذکر شده است. توضیح بیشتر آنکه از نظرگاه مجریان و برنامه‌ریزان مراسم پیاده‌روی اربعین - حسینی، این مردم و مشارکت‌کنندگان هستند که با آگاهی نسبت به وضعیت مذهبی و سیاسی شیعیان و به‌طور خاص کشور ایران به عنوان تنها کشور شیعه جهان، تشخیص صحیح و به موقع شرایط و مقتضیات منطقه، به صحنه آمده‌اند تا ضمن برگزاری این آیین شیعی، بار دیگر «پیوند عمیق خود با شعائر و ارزش‌های حسینی» را مورد تأکید قرار داده و به نمایش بگذارند.

تحلیل این دسته از داده‌ها روشن می‌سازد که نگاه مجریان به ماهیت اربعین، چه از نظر زمانی و چه از نظر میزان توجه، کاملاً ثانوی بوده و نسبت به شور و شوق زائران در مرتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر گویا مجریان فعلی آیین پیاده‌روی نقشی در تأسیس و شکل‌گیری اولیه این آیین نداشته‌اند بلکه این جماعت زائران بوده‌اند که به تبعیت از شیعیان عراق (مؤسسین این آیین) در این مراسم مشارکت کرده و موجبات آشنایی مسئولین را فراهم آورده‌اند. به همین دلیل مقوله‌های پراهمیت دیگری که در این زمینه از گفتگوهای ما با مجریان آیین اربعین به دست آمد، عبارت بود از «خلوص عراقی‌ها» و «جنبه جهانی» این آیین شیعی.

هم‌چنین نتایج این تحلیل‌ها حاکی از آن است که مجریان آیین اربعین هر قدر که نسبت بالاتر و دورتری با این آیین داشتند از میزان پیوند عاطفی شان با آن کاسته شده است. به عنوان مثال وقتی که با یکی از مسئولین یکی از نهادهای فرهنگی کشور که خودش تجربه حضور یا فعالیت اجرایی مشخصی در رابطه با آیین پیاده‌روی اربعین نداشته، گفتگو می‌کردیم، اساساً موافقتی با برگزاری این آیین و صرف هزینه برای آن نشان نداد و بر لزوم تمرکز بر سایر برنامه‌ها تأکید داشت. این در حالی است که خادمان موکب‌ها یا مدیران کاروان‌ها (مدیران میدانی و اجرایی‌تر) که خود در میدان عمل،

مستقیماً با پدیده درگیر شده بودند، بعضاً در نقش خادم - زائر قرار می گرفتند و به همین سبب علقه معنوی و عاطفی عمیق تری نیز با آیین اربعین برقرار می کردند. در همین زمینه، «تأکید بر سختی ها و دشواری های فعالیت در خارج از مرزهای کشور»، «شکایت از ناهماهنگی» یا «بی توجهی نهادهای مسئول» نیز از مهم ترین مقولاتی بود که از نظرگاه مجریان آیین اربعین مطرح می شد.

۷. ساختار آیین پیاده روی اربعین

۷-۱. ساختار پیاده روی اربعین از منظر زائران

مراسم پیاده روی اربعین طبق یک نگاه کلی از سوی زائران، نوعی «زیارت خودجوش گروهی» با هدف «ابراز ارادت» به امام حسین (7) است که مورد تأیید و تأکید اهل بیت (: قرار دارد و «مستمرأ در طول تاریخ تشیع» انجام می شده است. به عبارت دیگر مردم (زائران) ساختار تأسیس این آیین را «همانند سایر انواع زیارت» بلکه مهم تر از آن ها، تشریحی و «جزء مناسک اولیه» می دانند هرچند برای ما حسب بررسی های تاریخی و روایی ثابت شد که، در اربعین با یک آیین ثانویه که برگرفته از فرهنگ دین داران است مواجهیم و روایت مخصوصی راجع به «پیاده روی روز اربعین» در دست نداریم.

زائران امام حسین (7)، هم چنین اربعین را بیشتر از آنکه ایرانی ببینند، «عراقی» می دیدند و عمدتاً در مقام «میهمان» از «پذیرایی خالصانه عراقی ها» سخن می گفتند. پذیرایی ای که موجب شگفتی آن ها شده و به یکی از مهم ترین عوامل حضور آن ها در این آیین تبدیل شده بود. زائران اربعینی، این آیین را با وصف «حرکتی مردمی نیازمند حمایت دولت» توضیح می دادند و مدیریت کلان آن را به شکلی «غیبی»، خدایی و به واسطه امام حسین و امام زمان (4) می دانستند.

البته این آیین به دلایلی چون طول مدت برگزاری و تنوع و تکثر فرهنگ ها، در همه زائران احساس آستانه ای کامیونیتاس^۵ را ایجاد نکرده بود اما به فراخور حالات و وضعیت های مختلف، هر کس مقداری از مسیر را با این وضعیت رهاشدگی طی می کرد. نکته قابل توجه دیگر که از مشاهدات و یادداشت های تحلیلی حین مشاهده قابل بیان می باشد، «وضعیت آستانگی^۶ افراد هنگام رسیدن به ورودی شهر کربلا» و

دیدن گنبد طلایی حضرت امام حسین (۷) بود. زائران در این وضعیت بدون اختیار احساسی می شدند، اشک می ریختند و با سردادن شعار یا زمزمه زیرلب با حضرت گفتگو می کردند. در این رابطه با چندین نمونه مضامین برگرفته از مصاحبه‌ها مواجه بودیم که رسیدن و «حضور در حرم امن حضرت امام حسین را عامل رفع همه خستگی‌های مسیر» بیان کرده بودند. این امر می تواند مکمل ادعایی باشد که طبق ادعای ترنر (۱۹۷۶)، «ساختار عاطفی و بی‌طبقه» ای را برای زائران پیش‌بینی می‌کرد.

۲-۷. ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر مروجان

مروجان و مبلغان آیین پیاده‌روی اربعین و خصوصاً آن‌ها که سابقه بیشتری در این زمینه دارند بیش از هر گروه دیگر، بر «لزوم مردمی ماندن» ساختار این آیین تأکید داشتند. این گروه از متولیان پیاده‌روی، کراراً آسیب‌ها و «کژکارکردهایی» را گوشزد می‌کردند که در صورت دولتی شدن مدیریت آیین، گریبان‌گیر خواهد شد. کاهش اخلاص در خدمت، تغییر ذائقه مردم و خدشه به اصالت این آیین شیعی از جمله مقوله‌هایی است که در این زمینه از مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی بر می‌آید.

گفتنی است در میان داده‌ها شاهد اعتراضاتی به ورود برخی نهادهای دولتی و شبه‌دولتی در زمینه اربعین، نحوه خدمت‌رسانی آن‌ها و اصطلاحاً «ایرانیزه کردن» ساختار مراسم پیاده‌روی اربعین بودیم. این گروه مروجان، به مقتضای فعالیت تبلیغی خود بیشتر به نقش تبلیغی در زمینه «فراخوان ر سانه‌ای مردم» تو سط ر سانه‌های داخلی خصوصاً «سیمای جمهوری اسلامی» تأکید داشتند.

البته ساختار ترویج این زیارت در کلام زائران، مروجان و مجریان مشترکاً به «اهمیت ارتباطات چهره به چهره» و تعریف و تمجید آن‌ها که رفته‌اند برای آنان که نرفته‌اند یا شوق سفر در سر دارند، اشاره دارد. نوعی تبلیغ وسیع و مآلاً عمیق که حاصل آن گسترش و رونق هر ساله آیین پیاده‌روی اربعین حسینی بوده است. از این منظر، رسانه‌های جمعی و اجتماعی (مجازی) عمدتاً در مرتبه دوم تأثیرگذاری قرار می‌گیرند. نمونه تام و تمام عمق این تأثیرگذاری ارتباطات انسانی، اهالی روستایی در زرنند کرمان هستند. روستایی که سال گذشته، تنها دو نفر از آن‌ها به زیارت اربعین آمده بودند و

امسال در اثر تعریف‌ها و توضیح‌های همان گروه اندک، تعداد زیادی از اهالی یک روستا (یک کاروان) راهی سفر اربعین شده بودند.

در کنار این‌گونه تبلیغات چهره به چهره، برخی تولیدات رسانه‌ای ویژه نیز از نظر مروجان این آیین نقش پررنگی داشتند. مشخصاً «مستند الا یا اهل العالم» که تحت نظر حجت‌الاسلام پناهیان ساخته شده و جزو اولین تولیدات رسانه‌ای با موضوع پیاده‌روی اربعین است در مواردی برای زائران و مروجان و مجریان مورد اشاره قرار گرفت و این سه گروه به فراخور به انتشار آن میان مردم و تأثیرش در فرآیند ترویج یک آیین مذهبی پرداختند.

۳-۷. ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر مجریان

در خصوص ساختار این آیین مذهبی شاهد تفاوت عمده‌ای میان شکل «ایرانی» و «عراقی» آن هستیم به‌گونه‌ای که در میان عراقی‌ها با اجرای مراسمی کاملاً مردمی روبرو هستیم که نهایتاً در معدود مواردی مانند آب، برق و یا کیسول‌های گاز مورد حمایت جزئی دولت عراق و استانداری‌ها قرار می‌گیرند و در طرف مقابل و مخصوصاً در سال‌های اخیر؛ حضور پررنگ سازمان‌های ایرانی از جمله آستان‌های متبرکه، شهرداری‌ها و نهادهای دولتی و نظامی در مسیر مشهود است. صرف بودجه‌های کلان در امور خرد و کلان زائران و هم‌چنین امورات تبلیغی و اصرار بر گنجاندن لوگو یا نام سازمان متبوع در گوشه گوشه این فعالیت‌ها، نشان از «تفاوت ساختاری مدیریت اجرایی دو نوع اربعین ایرانی و عراقی» دارد.

فارغ از تفاوتی که بدان پرداخته شد، شاید برای مجریان و متولیان ایرانی امورات اجرایی آیین پیاده‌روی اربعین، سازماندهی اجرای این آیین شیعی مهم‌ترین بخش آن باشد. تحلیل مصاحبه‌ها به خوبی نشان می‌دهد مجریان هرگز نتوانسته‌اند مانند مروجان با زائران همراهی کنند و هم‌زمان در چند نقش حضور داشته باشند. مجریان این آیین که توانستیم با آن‌ها به گفتگو بنشینیم افرادی بودند که یا موکبی در مسیر کربلا به نجف برپا کرده بودند و یا از تهران مسئول اعزام زائران بودند. هم‌چنین با مسئولینی در نهادها و ستادهای شکل‌گرفته به نام پیاده‌روی اربعین در کشور هم کلام شدیم و به تبع مسئولیت‌شان بیشتر از هر چیز در خصوص ساختار برگزاری این آیین گفتگو کردیم.

نتیجه تحلیل این گفتگوها نشان می‌دهد در میان متولیان ایرانی در حوزه اجراییات این آیین، با دو دسته کلی طرفیم:

۷-۳-۱. دسته اول؛ «خواهان سیطره همه‌جانبه با هدف تسهیل سفر برای هم‌وطنان»

این گروه از مدیران مسئولان اجرایی البته با نیاتی صادقانه تلاش می‌کنند همه اجزاء و زوایای این آیین از مسائل امنیتی گرفته تا طبخ غذا در موبک‌ها، تحت مدیریت‌شان باشد تا بتوانند از طریق این مدیریت یگانه، شرابطی فراهم کنند که زائران با کمترین مانع و رنجی به فیض این زیارت مذهبی نائل آیند. «لزوم مدیریت یکپارچه»، «ارائه کیفیت بهتری از خدمات» و «ناتوانی دولت و ملت عراق از تأمین زیرساخت‌های لازم برای پذیرایی شایسته» مقوله‌هایی است که این گروه از مجریان برای اثبات نگاه مدیریتی خود درباره ساختار مراسم پیاده‌روی اربعین، به آن‌ها متوسل می‌شوند.

۷-۳-۲. دسته دوم؛ «مخالفین حضور مشهود و سازمانی ایران در اربعین»

این گروه به نوعی در مخالفت با مدعای دسته اول از مجریان، معتقدند حضور پر دامنه و همراه با ورود به جزئیات دولت ایران (نظام ج.ا.ا) در مدیریت مراسم اربعین، آفات فراوانی در پی خواهد داشت. «دور شدن اربعین از ماهیت مردمی»، «ایرانیزه شدن و بر هم خوردن نظم سنتی پذیرایی عراقی‌ها» و هم‌چنین «بروز اختلاف سطح خدمات میان موبک‌های ایرانی و عراقی» نمونه‌هایی از آسیب‌هایی هستند که توسط این دسته از مجریان در مصاحبه‌ها مطرح شد.

البته تا حد زیادی می‌توان دسته اول و دوم را به ترتیب مدیران عالی و مدیران میدانی دانست. چرا که فعالیت مدیران عالی با توجه به وابستگی بیشتر آن‌ها به سازوکارهای بروکراتیک و تجربه اندک در مسائل میدانی، با آشنایی کمتری از جوانب اجرایی و میدانی آیین همراه است و چه بسا همه مدیران عالی مرتبط با مراسم پیاده‌روی، برخلاف مجریان میدانی، علاقه و انگیزه کافی برای فعالیت در این موضوع نداشته باشند. چنانکه یکی از این مدیران در گفتگویی دو ستانه از بی‌علاقگی خود به این آیین پرده برداشته و گفته بود: «من تا به حال به این سفر نرفته و نخواهم رفت، ما در کشور

کارهای واجب‌تری داریم».

از سوی دیگر اما مجریان میدانی و افرادی که مستقیماً با پدیده درگیر شده‌اند، یک حس عاطفی و عرق مذهبی خاصی نسبت به آن پیدا کرده و از آن جایی که عموماً جوان هستند، با شور بیشتر و از سر دل‌سوزی درخواس‌ت رفع آفاتی را که در زمینه اجرائیات این آیین به وجود آمده را دارند. برای مثال یکی از این مجریان میدانی که سالانه کاروان‌های مختلف دانشجویی را برای شرکت در مراسم اربعین حسینی عازم کربلا کرده و خود نیز همراه آن‌ها سفر می‌کند، با انتساب فحوای کلام خود به رهبر انقلاب، اصرار داشت که با حضور ایرانی‌ها و برپایی موکب‌های وابسته به ارگان‌ها و نهادها، «افتخار میزبانی اربعین نباید از عراقی‌ها گرفته شود». این نگاه در تعداد دیگری از این‌گونه مجریان نیز قابل پی‌جویی بود. البته دولت در نگاه اغلب این افراد می‌بایست نقش «کاتالیزور» و تسهیل‌امور سفر من جمله ویزا و خروج از کشور، حمل و نقل و ... را برعهده بگیرد.

لازم به ذکر است که این تفاوت نگرش‌های مدیران به موضوع اربعین، گاهی آن کار جمعی و هدف مشترک مد نظر که ابتدای بحث از آن‌ها به عنوان مقومات اصلی ساختار و سازمان یاد شد را ممکن است دچار تغییر کند.

۸. کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین

۸-۱. کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین از منظر زائران

از تحلیل مرحله دوم مصاحبه‌های زائران در خصوص کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین، مقوله اصلی عبارت شد از: «زیارتی مهدوی با هدف اعلان جهانی». این مقوله مجمع مفاهیمی است که در بخش چارچوب مفهومی ذیل بحث کارکردهای آیین‌ها به آن پرداخته شده است. ذیلاً به تجزیه و توضیح این مقوله پرداخته خواهد شد:

۸-۱-۱. زیارت

مشارکت‌کنندگان این آیین از «زیارت عتبات عالیات به عنوان یکی از اصلی‌ترین اغراض سفر» خود نام برده‌اند. به عبارت دیگر، بستر آماده ایام اربعین از ابعاد مختلف

مانند: «ارزان بودن سفر اربعین»، «جذابیت‌های جمعیتی»، «تسهیل در امر خروج از کشور» و مواردی از این دست، سبب شده تا آرزومندان و مشتاقان زیارت عتبات مقدسه عراق، با کمترین موانع ممکن مواجه شوند و از اربعین به عنوان فرصتی برای زیارت بهره ببرند. حسب مشاهدات میدانی و گفتگوهایی که در شهرهای نجف و کربلا و هم‌چنین مسیر پیاده‌روی انجام گرفت چنین نتیجه‌ای ثابت خواهد بود. برای مثال در مشاهدات میدانی ثبت شده که «حضور قشر کم‌بضاعت در مسیر پیاده‌روی پررنگ است» یا در مصاحبه‌ها مکرراً به مضمون «قشر مستضعف» و حضور پر تعداد آن‌ها در مسیر برمی‌خوریم. نمونه روشن دیگر مصاحبه‌ای با خانواده‌ای روستایی از توابع رفسنجان کرمان بود که پدر خانواده صریحاً به «کاهش هزینه‌های سفر کربلا در ایام اربعین» اشاره و این امر را موجب حضور خانواده کم‌بضاعت خود و سایر موارد مشابه دانست.

هم‌چنین «ارجاع به حدیثی از امام عسکری (7)» در خصوص تطبیق «زیارت اربعین که یکی از نشانه‌های مؤمنان» است با این مراسم، به کرات در مضامین حضور داشت که نهایتاً ذیل کارکرد زیارتی بودن پیاده‌روی اربعین گنجانده شد. شایان ذکر است زائرانی که به امید زیارت، قدم در مسیر پیاده‌روی گذارده بودند، عمدتاً از «کسب ثواب» به عنوان غایت سفر خود نام می‌بردند که در صورت مراجعه به کارکردهای آیین‌ها، انطباق کاملی با کارکرد «کسب ثواب و تحصیل آرامش» دارد.

توجه به «کارکرد فراغتی» این آیین علی‌رغم «ماهیت غیرتفریحی» اش، نیازمند توضیحی است که مختصراً بیان می‌شود. در این خصوص شاید در نگاه اول احتمال تناقض داده شود اما توضیح این است که یک آیین گرچه از نظر ذاتی و ماهوی برای تفریح، تشریح یا تأسیس نشده اما ممکن است جماعتی از دین‌داران در برهه‌ای از زمان به بخشی از آن به‌عنوان یک برنامه سرگرم‌کننده نگاه کنند. اما در هر صورت این کارکرد خدشه‌ای به ماهیت غیرتفریحی آن وارد نمی‌کند. در آیین پیاده‌روی اربعین نیز به سبب مدت زمان طولانی، فراغت زائران از نبود مناسک، فقدان آداب و اعمال واجب‌التنفيذ مانند اعمال حج و هم‌چنین گروه سنی شرکت‌کنندگان و خاصیت مسیر پیاده‌روی طولانی، تنوع و جذابیت‌پذیری‌ها و مواردی از این قبیل نمی‌توان انتظار داشت که این حرکت از هرگونه کارکرد فراغتی - و نه تفریحی - تهی باشد.

۸-۱-۲. آمادگی مهدوی

در مقوله اصلی این بخش، «مهدوی بودن وصفی است برای زیارت». توضیح بیشتر آنکه فی‌المثل اگر یکی از کارکردهای پنهان آیین‌ها را کارکرد «آماده‌سازی برای آینده» بدانیم، آیین پیاده‌روی اربعین دارای این کارکرد می‌باشد. به عبارت دیگر و به بیان مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها با زائران اربعینی، قریب به اتفاق همه هم‌نظر بودند که ارتباطی وثیق میان این آیین حسینی - با همه ویژگی‌هایی که دارد - و ماجرای ظهور امام زمان (۴) برقرار است. مضامینی چون: «اربعین، مقدمه ظهور»، «اربعین، عامل شناساندن امام حسین به جهان» و «اربعین، نمایی از دوران پس از ظهور» همگی با وضوح کامل حکایت از آن دارند که کارکرد مهدوی این آیین خصوصاً برای زائران - از هر قشر و طبقه‌ای - اساسی و بااهمیت است.

۸-۱-۳. اعلان جهانی

این مفهوم که در مقوله اصلی این بخش گنجانده شده، مبین دو ریزکارکرد دیگر است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۸-۱-۴. هویت یابی

با عنایت به مفاهیم مستخرج از ادبیات ارتباطات آیینی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای آشکار آیین پیاده‌روی اربعین، کارکرد «هویت یابی» آن است. در اینجا و ذیل مفهوم اعلان جهانی به این کارکرد پرداخته می‌شود. از نظر زائران حسینی، مراسم پیاده‌روی اربعین فرصت مناسبی برای شیعیان است که در طول تاریخ خود - به جز موارد معدود - همیشه در اقلیت و زیر سلطه اکثریت مسلمان اهل سنت بوده‌اند. این آیین با جمعیت انبوه و میلیونی‌ای که گردهم می‌آورد، «رسانه‌ای است برای اعلام موجودیت شیعه» و فرصتی است استثنایی برای شناساندن این اقلیت همیشه در حاشیه به مردم دنیا. زائران اربعینی در گفتگوها به مضامینی همچون «این یک مانور شیعه است» و «آمدیم تا خود را به جهان معرفی کنیم» اشاره کرده‌اند. این مضامین به روشنی گویای «غرض هویتی» آن‌هاست. هم‌چنین «اعتراض زائران به عدم پوشش رسانه‌های غربی از مسیر راهپیمایی»،

نشان از آن دارد که جهانی شدن این اعلام وجود و «معرفی خود به وسیله امام حسین (7) به جهانیان» برایشان از اهمیت بالایی برخوردار است.

۸-۱-۵. مقدمه ظهور

بسیاری از زائران اربعینی، این آیین را به سبب ویژگی‌های ممتازی که در زمینه‌های چون «تعداد شرکت‌کنندگان»، «کیفیت پذیرایی‌ها و از خودگذشتگی‌ها» و همچنین «خلوص شیعیان» داشته، پیش مقدمه‌ای برای ظهور می‌دانند. آن‌ها در سخنان خود با توصیف شرایط پس از ظهور و تطبیق ویژگی‌های آن با کیفیات موجود در متن این آیین، حضور خود را در جهت پی‌شبرد مقاصد الهی و ممهّد ظهور حضرت صاحب (4) تفسیر می‌کنند. نمونه‌ای از موارد متعدد مضمونی صحبت از «شناساندن امام حسین (7) به جهان برای تسریع در امر ظهور» می‌کند. این‌گونه موارد با مستمسک قرار دادن عبارات و شعارهایی مثل: «یا لثارات الحسین» یا «الا یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً» که به امام زمان - هنگام اعلام ظهور - منسوب است، این‌گونه استدلال می‌کنند که اگر قرار است حرکت و دعوت حضرت حجت (4) جهانی باشد و اگر ایشان خود را با جدشان امام حسین (7) معرفی می‌کنند، پس لاجرم جهان باید حضرت اباعبدالله الحسین را بشناسد و با آن غریبه نباشد چرا که منطقاً معرف باید اجلی از معرف باشد. اما کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین در مقوله مذکور خلاصه نمی‌شود. در این آیین مذهبی، کارکردهای دیگری چون تقویت باورها، آموزش بین‌نسلی و اسوه‌سازی بروز و ظهور دارد که مصاحبه‌شوندگان در ضمن گفتگوها کم و بیش به آن‌ها پرداخته‌اند.

۸-۲. کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین از منظر مروجان

مروجان این آیین نیز در گفتگوها به مواردی از کارکردهای پنهان و آشکار آن اشاره کرده‌اند. در اینجا نیز مانند نظرگاه زائران، مقوله «اعلام جهانی» پررنگ است اما در کنار آن به مفاهیمی چون «اربعین به مثابه فرصتی برای تأمل و اصلاح نفس» و همچنین «ضرورت شکل‌گیری ارتباطات میان‌فرهنگی میان ایرانیان و عراقی‌ها» و «ابعاد تأثیرات سیاسی آیین پیاده‌روی بر منطقه و جهان» نیز اشاره شده است که می‌توان این کارکردها

را در قالب مقوله «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی در کنار معنویت و تعارف بینافرهنگی» تجمیع نمود. این مقوله همان‌طور که از اجزایش پیداست، به مجموعه‌ای از کارکردهای پنهان و آشکار آیین اربعین از منظر مروجان و مبلغان اربعینی می‌پردازد. در توضیح این مقوله شاید بتوان گفت مهم‌ترین کارکرد این آیین از منظر مروجان، در سطح منطقه نوعی هشدار فرهنگی برای دیگران (عمده کشورهای منطقه) باشد که تا به حال موجودیت شیعه را جدی نمی‌گرفتند و حسب تفوق جمعیتی سنی بر شیعه، نقشی برای او در معادلات اسلامی — عربی منطقه قائل نبودند. این راهپیمایی در نگاه مروجان آن، بیشترین اعتبار را از سوی حیثیت «جمعیتی» اش برخوردار است. جایی که حکومت‌های عراق و مخصوصاً ایران می‌توانند اعلام کنند توانسته‌اند با در نظر داشتن شرایط نابسامان و جنگی عراق و منطقه، «امنیت بیش از ۲۰ میلیون زائر» را تأمین کرده و لوازم حضور آن‌ها در این مراسم را فراهم کنند. این مهم به زبان مروجان آیین پیاده‌روی اربعین و در مضامین مصاحبه‌ها به نوعی «عرض اندام ایرانی — شیعی» یا «زنگ خطر برای کشورهای منطقه» تعبیر شده بود.

به عبارت دیگر مروجان با توجه به پشتوانه سیاسی و وابستگی‌های خود به حاکمیت ج.ا.ا، تلاش می‌کنند چنین القا کنند که آیین اربعین، معانی و کارکردهایی فراتر از یک هویت‌یابی صرف، یا دلالت‌های مذهبی و ابراز ارادت‌های محبان اهل بیت (:) در برداشته و بیشتر از آنکه شیعیان در آن مهم باشند این دولت‌ها و حکومت‌ها هستند که اهمیت می‌یابند و از بستر اربعین استفاده می‌کنند تا برای اثبات قدرت خود در منطقه، «سرمایه انسانی در صحنه خود را به رخ دیگری بکشند». این بیان ما را به کارکرد آشکار آیین‌ها یعنی «نقش‌آفرینی سیاسی» نزدیک می‌کند اما با این ملاحظه که در بستر آیین پیاده‌روی اربعین، تک‌تک افراد کاری از پیش نمی‌برند بلکه این «توده» مردم است که با حرکت خود، پیاده‌روی اربعین را در محور معانی سیاسی مد نظر قدرت‌ها سامان می‌دهد. این معنا در گفتگوهای ما با مداحان حامی جریان مقاومت، نمود داشت. به عنوان مثال یکی از همین مداحان می‌گفت: «در بستر زیارت اربعین ما در رقابت با مداحی‌های ملامباسم (مداح معروف عراقی)، توانستیم مفاهیم و مضامین انقلابی را جایگزین کنیم».

هم‌چنین مشاهدات میدانی ما و برخی مضامین نشان می‌داد که زیارت اربعین برای مروجان خود، مانند مداحان و روحانیون، مشتمل بر «چرخه اقتضای اعتباری» نیز هست. به عبارت دیگر این دسته از مشارکت‌کنندگان بخشی از اعتبار خود را از شرکت و ایفای نقش در این آیین به دست می‌آورند یا صحیح‌تر آن است که بگوییم اعتبار سابق خود را تقویت می‌کنند. این چرخه ادامه یافته و بعد از سفر در مجالس و منابر این اعتبار را در قالب خاطره‌های‌شان از پیاده‌روی اربعین برای حاضرین یا طرفداران‌شان نقل می‌کنند. البته لازم به ذکر است که با توجه به رقابتی که در این زمینه مخصوصاً میان مداحان وجود دارد، حضور آن‌ها در مراسم و ارائه تولیدات صوتی مرتبط با پیاده‌روی اربعین، جهت «عقب‌نماندن از سایر هم‌قطاران» یا «از دست‌ندادن میدان به وسیله فکریایی که نمی‌پسندند»، ضروری‌تر بوده و بیشتر از دو گروه دیگر (زائران و مجریان) «متأثر از فشار بیرونی» انجام می‌پذیرد.

۳-۸. کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین از منظر مجریان

آنچه پس از مقوله اصلی «مقدمه ظهور بودن اربعین»، بیش از همه برای مجریان ایرانی این آیین اهمیت داشت، بعد کارکرد «الگوسازی» ای بود که این مراسم می‌تواند برای مردم در کشور داشته باشد. مجریان ایرانی آیین پیاده‌روی اربعین، بسیار خرسند بودند از اینکه اقدامات اجرایی آنان در این سفر خواهد توانست علاوه بر تمهید امر فرج، ضمن آشنا کردن ایرانیان با شیوه مخلصانه سازماندهی مردمی فعالیت‌های خدماتی شیعیان عراق، «الگویی از یک آیین مذهبی مردمی» ارائه و این‌گونه مشارکت هرچه بیشتر ایرانی‌ها را جلب نمایند.

هم‌چنین مجریان این آیین بر مفهوم «معنویت حاصل از حضور در آیین پیاده‌روی اربعین» تأکید داشتند و بروز و ظهور آن محبت عمیق میان اهل‌بیت (: و شیعیان موالی ایشان را عامل ارتقای معنوی زائران و در پی آن تعالی اخلاقی و معنوی جامعه ایران می‌دانستند.

جمع‌بندی

این پژوهش مردم‌نگارانه به عنوان یکی از اولین تحقیقات میدانی در زمینه آیین پیاده‌روی اربعین و در پاسخ به سؤال اصلی نشان داد که این آیین از منظر چارچوب مفهومی ارتباطات آیینی، چه ماهیات، ساختارها و کارکردهایی دارد. علاوه بر این طبق دستاوردهای میدانی ثابت شد که سه گروه اصلی زائران، مروجان و مجریان؛ پیکره اصلی مشارکت‌کنندگان این آیین را تشکیل می‌دهند لذا در تحلیل داده‌ها تصمیم بر آن شد که سه رکن اصلی هر آیین که عبارتند از: «ماهیت، ساختار و کارکرد» از دید سه گروه اصلی دخیل در آیین پیاده‌روی اربعین یعنی «زائران، مروجان و مجریان» بررسی شده و توضیح داده شود. به عبارت ساده‌تر، ضمن دسته‌بندی نسبتاً جامع و مانعی که با الهام از سؤال پژوهش و ترکیب آن با نتایج به دست آمده از داده‌های اولیه، حاصل آمد؛ در مرحله گزارش پژوهش، تحلیل‌ها به صورت نظام‌یافته و ذیل دسته‌بندی مذکور تبیین شد. در ادامه به مهم‌ترین مقوله‌های مستخرج از مضامین داده‌ها و نتایج تحلیلی این پژوهش در پاسخ به سؤال اصلی پرداخته می‌شود:

الف. ماهیت آیین پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی

مضامین و مقوله‌های برگرفته از متون صاحب‌ها و یادداشت‌های میدانی، حاکی از آن است که آیین پیاده‌روی اربعین در نگاه مشارکت‌کنندگان آن، ماهیتی «نمایشی» دارد. این امر ناشی از یکی از خصصت‌های مهم آیین‌ها می‌باشد که در ادبیات حوزه مفهومی ارتباطات آیینی و ذیل عنوان «کنشی و اجرایی بودن آیین‌ها» به آن پرداخته شده است. این ماهیت نمایشی اربعین که سه گروه زائران و مجریان و مروجان این آیین بر سر آن متفق بودند، از حیث «محتوا» و «مخاطب» مورد مذاقه بیشتر قرار گرفت که عنصر «محبت اهل بیت» و «بُعد جهانی» به ترتیب بیان‌گر محتوا و مخاطب آن بود. البته با بررسی بیشتر «مخاطب جهانی» به کشف کارکردی مرتبط، یعنی «هویت‌یابی» برای شیعیان مواجه شدیم که ریشه آن را در تاریخ این اقلیت اسلامی و مفهوم «درحاشیه‌بودگی» تاریخی آنان دنبال کردیم.

ب. ساختار آیین پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی

خودجوش بودن آیین پیاده‌روی اربعین در نگاه اول یکی از وجوه متمایز آن می‌باشد اما طبق مضمین و مقوله‌هایی که از مشاهدات و گفتگوهای دو ستانه با زائران، مروجان و به خصوص مدیران این آیین مذهبی انجام گرفت، چنین برمی‌آید که: اولاً، تفاوت چشمگیری میان ساختار و سازمان اربعین ایرانیان و اربعین عراقی‌ها وجود دارد و میزبانی این مراسم توسط عراقی‌ها به دلایل متعدد، مردمی‌تر بوده و دولت عراق در موارد معدودی به یاری زائران و مجریان این آیین آمده است اما در طرف مقابل — بازم به دلایل متعدد — شاهد یک سازماندهی و حتی تشکیلات عریض و طویل دولتی و حکومتی هستیم که متولی مدیریت جوانب مختلفی از اجرای مراسم پیاده‌روی شده است.

ثانیاً، تحلیل داده‌ها نشان داد: خلاف نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات تاریخی و روایی در خصوص پیشینه آیین پیاده‌روی اربعین که آن را یک آیین مردم ساخت می‌داند؛ نظر مشارکت‌کنندگان حاکی از یک آیین اولیه با تأکیدات مستقیم از جانب اهل‌بیت (:) است. اما با توجه به اثبات این امر که در پیاده‌روی اربعین با یک آیین ثانویه که برخی ابعاد آن به صورت پراکنده، در روایات جایگاه مستحکمی دارند؛ می‌توان انتظار داشت فرهنگ‌ها و اقوام مختلف هر یک به طریقی بر آن تأثیر بگذارند و متناسب با مقتضیات خود، شکلی محلی از این آیین را ارائه دهند. هم‌چنین این استمرار بلندمدت تاریخی آیین پیاده‌روی اربعین خصوصاً در شکل ایرانی آن، امروزه تحول یافته و با میزان سازمان‌دهی بالا، بر پیچیدگی‌های ساختاری آن افزوده شده و شکلی نیمه‌مردمی گرفته است.

ثالثاً، در خصوص حالت آستانگی - حسب آنچه مدنظر ترنر بوده - می‌توان گفت به سبب ویژگی‌هایی که این آیین دارد؛ مانند: طولانی بودن مدت، شکل مسافرتی، کارکردهای فراغتی و گروه‌های دو ستانه و... نمی‌توان انتظار داشت، مشارکت‌کنندگان همه مدت سفر را در حالت «کامیونیتاس» سپری کنند، بلکه واقعیت این است که در طول مسیر و خصوصاً هنگام رسیدن به کربلا، «آناتی» برای زائران پدید می‌آید که آنان را از شرایط عادی (سو سیتاس^۷) خارج کرده و به وضعیت رها شدگی (کامیونیتاس) منتقل می‌کند.

ج. کارکردهای آیین پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در این بخش نشان داد مهم‌ترین کارکرد این آیین، کارکرد «هویت‌یابی» می‌باشد. توضیح آنکه در مقوله‌های استخراجی به وضوح مشاهده شد که شیعیان به‌مثابه اقلیتی اسلامی، تلاش دارند تا با حضور در اربعین، پررنگ کردن و رسانه‌ای کردن آن؛ «موجودیت» خود را به جهان اعلام کرده و از این رهگذر جهانیان را با حضرت سیدالشهداء آشنا کنند تا بتوانند گامی مهم در جهت ظهور امام منتظر بردارند (کارکرد آماده‌سازی برای آینده). این نتایج هم‌چنین نشان داد پیشینه تاریخی شیعیان از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز، تأثیر به‌سزایی در برجسته‌شدن این کارکرد هویتی داشته است. لذا همان‌گونه که چند سطر بالاتر و در توضیح ماهیت آیین نیز بیان شد، یکی از مطالبی که در خصوص فهم شیعیان اهمیت دارد این است که آن‌ها اکثر دوران حیات فرهنگی خود را تحت سلطه یک اکثریت دیگر اسلامی (اهل تسنن) گذرانده و از لحاظ سیاسی و اجتماعی غالباً در حاشیه بوده - به‌جز موارد معدود - و فرصت چندانی برای عرض‌اندام یا اعلام وجود در سطح منطقه و جهان پیدا نکرده‌اند اما اکنون و با عنایت به تحولات منطقه‌ای و جهان اسلام، ظرفیت پیاده‌روی اربعین این امکان را در اختیارشان قرار داده تا از این محمل اعلام وجود کرده و خود را به جهان بشناسانند.

البته لازم به‌ذکر است کارکردهای دیگری همچون نقش‌آفرینی سیاسی، الگو‌سازی، آموزش بین‌نسلی و حتی کارکرد فراغتی از جمله کارکردهای مهم این آیین شیعی به‌شمار می‌آیند که هرکدام از جمله مفاهیم مورد‌نظر در چارچوب مفهومی ارتباطات آیینی می‌باشند.

گفتنی است در دور دوم تحلیل‌ها و پس از تحلیل داده‌ها و توضیح ارکان ماهیت، ساختار و کارکردهای این آیین شیعی از منظر چارچوب مفهومی ارتباطات آیینی، تلاش شد تا با ساماندهی و چفت و بست مقوله‌های اساسی، مقوله کانونی این پژوهش تدوین شود. برای این مهم، سه مقوله اصلی که حکایتی اکثری از مجموع مضامین و مقوله‌ها را ارائه می‌دادند، انتخاب شد. این سه مقوله که ذیل عنوان اقامیم ثلاثه قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: محبت اهل‌بیت، نمایش جهانی و هویت شیعی. گام آخر استخراج مقوله‌ای است که بتواند این سه مفهوم کلی را زیر چتر خود بگیرد و به بهترین شکل، گویای

دستاوردهای اساسی این پژوهش باشد. نهایتاً و پس از امتحان مفاهیم مختلف، عبارت «*نمایشی عاشقانه با هدف تکوین هویت شیعی در جهان*» به عنوان مقوله کانونی انتخاب شد که نمایشی بودن، توأم بودن با آن محبت عمیق شیعیان به امام حسین و اهل بیت (ع)، مخاطب جهانی این آیین در خصوص هویت‌یابی شیعیان را در ر ساترین شکل خود بیان می‌کند.

یادداشت‌ها

۱. ritual communication
۲. ethnography
۳. central Category
۴. core Category
۵. communitas
۶. liminality
۷. societas

منابع

- اسپردلی، جیمز پ و مک کوردی (۱۳۷۲) *دیوید و پژوهش فرهنگی: مردم‌نگاری در جوامع پیچیده*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- بشیر، حسن (۱۳۹۰) *تعزیه*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (۷).
- ترنر، جان‌تان. اچ (۱۳۷۸) *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رودنبولر، اریک دبلیو (۱۳۸۷) *ارتباطات آیینی: از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده*. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: دانشگاه امام صادق (۷).
- سالدانا، جانی (۱۳۹۵) *راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی*. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: علمی و فرهنگی.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱) *برآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کوهن، آنتونی پل (۱۳۹۰) *سرشت نمادین اجتماع*. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: انتشارات دانشکده صداوسیما.
- میر عابدینی، احمد و معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۷) ارتباطات آیینی و قدرت سیاسی در ایران: بررسی روابط متقابل نماز جمعه و رسانه‌های جمعی در انتخابات ریاست جمهوری. *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۱. صص ۱-۳۴.
- Geertz, C. (۱۹۷۳), *The Interpretation of Culture*, New York: Basic Books.
- Leach, E. R. (۱۹۶۸), *Ritual: International Encyclopedia of the Social sciences*. Vol ۱۲. p ۵۲۰-۵۳۶. New York: Macmillan.

